

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FOREIGN
AFFAIRS

نتیجه معکوس حمله آمریکا به ایران

یکی از نتایج ناخواسته جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه ایران این بود که دیپلماسی به کشورهای دیگری که در آینده تمایل به دستیابی به سلاح هسته‌ای داشته‌باشند، بسیار سخت و پیچیده خواهد شد. در مورد ایران، پس از جنگ گروه‌های تندرو قدرت و نفوذ بیشتری پیدا کرده‌اند. آنها به سادگی می‌توانند استدلال کنند که آمریکا و اسرائیل بعد از آنکه در میانه مذاکرات تهران و واشنگتن به ایران حمله کردند، برای پیدا کردن راهکار دیپلماتیک بی‌میل و ناتوان هستند. تهران و واشنگتن اکنون با مشکلی مواجه هستند که جیمز فیرون، استاد دانشگاه آن را با عنوان «مسئله تعهد» توصیف می‌کند. هر دو طرف راهکار دیپلماتیک را ترجیح می‌دهند، اما انگیزه‌های قوی دارند که از مذاکره اجتناب کنند، به‌خصوص که دو طرف اعتماد ناچیزی به یکدیگر دارند و فرض‌شان این است که طرف مقابل در آینده زیر توافق خواهد زد. در ایالات متحده آمریکا دوقطبی شدید سیاسی مانع رسیدن به یک جایگزین توافق شده و مورد رضایت هر دو حزب برای برجام، می‌شود. رهبر ایران پس از جنگ، اعتماد بیشتری نسبت به گذشته به آمریکا و ۵+۱ ندارد. در عوض ممکن است اینگونه بیانید که تنها تضمین ممکن که دشمنان ایران به آن احترام می‌گذارند، سلاح هسته‌ای است. او همچنین علاقه‌مند است که مذاکرات بعدی را از جایگاه قدرت دنبال کند. به همین دلیل زمانیکه سه کشور اروپایی تلاش کردند تا مکانیسم اسنپک را فعال کنند، نمایندگان مجلس ایران پیش‌نویس طرحی را برای خروج از پیمان عدم اشاعه ارائه دادند؛ اقدامی که مشابه گام‌های دوده‌پیش کره شمالی برای رسیدن به سلاح هسته‌ای بود. با این حال سیاست‌گذاران آمریکایی همچنان می‌توانند کشورهای خواهان سلاح هسته‌ای را از این مسیر بازدارند. آمریکا می‌تواند به سیاست موفق خود که آزمون جنگ سرد را پشت سر گذاشته‌است ادامه دهد و برای متحدانش در آسیا و اروپا همچنان تضمین‌های امنیتی ارائه دهد که آنها به دنبال دستیابی به بمب اتمی خودشان نروند. مقام‌های آمریکایی باید به وضوح روشن کنند که دنبال کردن سلاح هسته‌ای توسط هر کشور جدیدی به منزله قطع کمک‌های نظامی، قطع همکاری‌های تجاری هسته‌ای، وضع تحریم و تهدید اقدام نظامی است. در عین حال رهبران آمریکا باید توفیق قابل توجه پیمان عدم اشاعه را بپذیرند و به آن احترام بگذارند. بر خلاف زمانی که جان اف. کندی، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا پیش‌بینی کرده‌بود، اکنون در دنیا تنها ۹ کشور دارای سلاح اتمی هستند و نه ۲۵ کشور.

امارویکرد کنونی ایالات متحده آمریکا موفقیت گسترده ۸۰ ساله سیاست‌های عملی عدم اشاعه را مورد تهدید قرار داده‌است و برای متحدان انگیزه ایجاد کرده‌است که دنبال تضمین‌های اتمی خودشان بروند. جنگ ۱۲ روزه هیچ کمکی نکرد که این انگیزه‌ها از بین برود. برای کشورهای که بعداً بخواهند به سوی سلاح هسته‌ای بروند، حساب کردن روی آمریکا و اجرای وعده‌ها در قالب توافقی مانند آنچه با ایران در سال ۲۰۱۵ امضا کرد، گزینه‌ای قابل اعتماد محسوب نمی‌شود. کیم جونگ ایل، رهبر پیشین کره شمالی نهایتاً به این نتیجه رسید که ریسک‌های معامله با آمریکا و نظام به‌هم‌ریخته این کشور، بیش از آنکه فایده داشته‌باشد، هزینه دارد. پسر او نیز بر همین رویکرد پافشاری کرد. مقام‌های ایران تصور می‌کردند که دولت دونالد ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش با جدیت بیشتری دیپلماسی را دنبال خواهد کرد. اما این امیدها در ماه ژوئن با حمله به تأسیسات هسته‌ای که ایران را به یک کشور در آستانه اتمی شدن تبدیل کرده‌بود، کاملاً از بین رفت. حتی بعد از این پس‌رفت در برنامه هسته‌ای ایران، پیشرفت‌های فنی و بنیان دانشی که ایران دارد و همچنین میزان مواد هسته‌ای که ایران ذخیره کرده‌است، همچنان پایرجا باقی مانده‌اند.

ایران ممکن است خودش را در موقعیت بازسازی ببیند و اگر چنین کاری را شروع کند، احتمالاً مسیر کره شمالی را در پیش خواهد گرفت و دیگر تا زمان رسیدن به بمب توقف نخواهد کرد. از قضا اقدام نظامی واشنگتن علیه برنامه هسته‌ای ایران باعث شد که مسیر حرکت کشورهای علاقه‌مند به سلاح هسته‌ای تسریع، تقویت و پنهان شود.

«ایران زیر سایه فشار و تهدید مذاکره نمی‌کند»؛ این شعار سرلوحه عملکرد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ خرداد تاکنون است. نزدیک به ۳ ماه از آغاز تجاوز نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران گذشته‌است و تهران همچنان تأکید دارد که مادامی که تهدید و ضرب‌الاجل وجود داشته‌باشد، حاضر به تعامل و توافق با غرب نیست. این رویکرد تهران عملاً ابتکار عمل را به طرف‌های غربی واگذار کرده‌است تا با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارند، فشار را بر تهران افزایش دهند تا نهایتاً جمهوری اسلامی ایران ناگزیر به توافق شود. مسیر مقاومت در مقابل فشارها هرچند به لحاظ حیثیتی و سیاست داخلی، برای سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و تیم دیپلماسی‌اش مفید است، اما در چارچوب کلی منافع ملی دستاورد نه تنها دستاورد چندانی برای کشور نداشته‌است، بلکه ایران را در آستانه بازگشت تحت فصل هفت منشور ملل متحد پس از ۱۰ سال قرار داده‌است.

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

ایران در گذشته نشان داده‌است که در صورت اراده برای توافق، می‌تواند حتی تحت فشار تحریم‌های فصل هفتمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و تهدید حمله اسرائیل، دست به معامله برای رسیدن به یک توافق بزند. تجربه موفق توافق موقت ژنو برای کاهش فعالیت‌های هسته‌ای ایران و افزایش نظارت‌های آژانس بین‌الملل انرژی اتمی در مقابل کاهش تحریم‌ها و توقف اعمال تحریم‌های جدید، تجربه‌ای موفق از ابتکار عمل ایران برای ایجاد شرایطی است که بتواند به یک توافق جامع منجر شود. توافق موقت ژنو در آذرماه سال ۱۳۹۲ زمینه‌ساز توافق جامع ایران و ۵+۱ با عنوان برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۱۳۹۴ شد که تا زمان خروج آمریکا از این توافق در سال ۱۳۹۷ توانست بخش بزرگی از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را لغو کند. آثار آن توافق همچنان پابرجا است و هرچند کشورهای اروپایی با فعال‌سازی مکانیسم اسنپک، قصد دارند ۳ هفته دیگر تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را مجدداً برقرار کنند، اما در طول ۱۰ سال گذشته، به لطف برجام ایران از این تحریم‌ها معاف شده‌بود. فرصت سه‌هفته‌ای باقیمانده از مهلت ۳۰ روزه اروپا برای بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت، بار دیگر می‌تواند یک فرصت مغتنم برای ایران باشد تا به جای پیروی از رویکرد تقابلی غرب، ابتکار عمل را در دست گیرد و به دنبال یک توافق موقت برای رسیدن به یک چارچوب جامع تر باشد.

پیشنهاد یک توافق موقت، اخیراً توجه بیشتری را به خود جلب کرده‌است. رابرت آینه‌هورن، دیپلمات پیشین آمریکایی و پژوهشگر اندیشکده بروکینگز در یادداشتی برای فارن‌افرز می‌نویسد: «با توجه به اینکه اختلاف نظر بر سر غنی‌سازی، راه را بر یک توافق جامع سد کرده است، بنا بر گزارش‌ها، مذاکره‌کنندگان آمریکایی و ایرانی به بررسی پیگیری یک توافق موقت پرداخته‌اند. چنین توافق موقتی یک ترتیبات با مدت زمان محدود خواهد بود

که در آن، مسئله غنی‌سازی فعال‌کنار گذاشته می‌شود، پیشرفت‌هایی در بسته‌ای کوچک از اقدامات مورد نظر هر یک از طرفین حاصل می‌گردد و برای مذاکره بر سر یک توافق نهایی، زمان خریده می‌شود. هر دو طرف ممکن است یک توافق موقت را راهی برای ادامه مذاکرات تلقی کنند، به جای آنکه با پیامدهای سیاسی داخلی ناشی از عدم دستیابی به یک توافق جامع یا تن دادن به امتیازات دشوار برای رسیدن به آن، مواجه شوند.»

مسیر هموار برای توافق موقت

ایران در سه هفته باقی‌مانده تا بازگشت قطعنامه‌ها فرصت دارد تا با در اختیار گرفتن ابتکار عمل به سمت یک توافق موقت دست‌کم برای تمدید بازگشت قطعنامه‌ها و ایجاد فرصت برای مذاکرات بیشتر حرکت کند. هرچند از نظر تهران ممکن است چنین اقدامی «تن دادن» به خواست غربی‌ها برای اجرای ضرب‌الاجل تلقی شود، اما در واقع در اختیار گرفتن ابتکار عمل این اجازه را به ایران می‌دهد که در تعیین دستورکار مذاکرات و محتوای گفت‌وگوها نقش بازی کند و اجازه ندهد که با افزایش هر چه بیشتر فشارها، دستور کار مذاکرات به تهران تحمیل شود.

سه کشور اروپایی، برای تمدید بازگشت قطعنامه‌های ۶گانه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران، ۳ شرط اصلی قرار داده‌اند: ۱- از سرگیری همکاری کامل ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۲- تعیین تکلیف سرنوشت ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده سطح بالا و ۳- نشان دادن تعهد ایران به مذاکره با آمریکا برای رسیدن به یک توافق جامع. تهران با تکرار شعار «ایران زیر سایه فشار و تهدید مذاکره نمی‌کند»، این شروط را نپذیرفته‌است، اما واقعیت این است که نهایتاً تمامی این مسائل اقدامات ناگزیری هستند که ایران دیر یا زود باید با آنها کنار بیاید. همکاری کامل با آژانس و تعیین سرنوشت اورانیوم غنی‌شده، بخشی از تکالیف ایران در پیمان عدم اشاعه (NPT) هستند و مادامی که ایران همچنان عضو این پیمان است، چه با فشار غرب و چه در فقدان فشار غرب، ایران مجبور است به آن تن بدهد. در همین چارچوب هم ایران تاکنون چهار دور مذاکره فنی با نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تهران و وین انجام داده‌است که آخرین دور آنها دیروز در وین انجام شد.

به این ترتیب به نظر می‌رسد که دو شرط نخست اروپا، یعنی همکاری کامل با آژانس و تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده سطح بالا، نه‌تنها فشار و تهدید تلقی نمی‌شوند، بلکه یادآوری بخشی از تکالیف حقوقی بین‌المللی تهران است که دیر یا زود باید عملی شود. اینکه تهران انتخاب کند که این همکاری‌ها پس از بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت اتفاق بیفتد یا قبل از آن، کاملاً بر عهده دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بر مبنای درکی است که از منافع ملی وجود دارد.

حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر موسسه آلمانی امور بین‌المللی و امنیتی (SWP) در یادداشتی برای اندیشکده European Leadership Network می‌نویسد: «بهترین

گزارش
هسته‌ای

معامله به جای مقابله

آیا تهران می‌تواند از فرصت کوتاه باقی‌مانده تابازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت برای یک توافق موقت استفاده کند؟

راه برای ایران این است که پیشنهاد اروپا را به طور کامل رد نکند، بلکه آن را به یک رویکرد مرحله‌ای گسترده‌تر تغییر شکل دهد. «عزیزی تأکید می‌کند: «چنین رویکردی نه ایران را ملزم به اذعان به اقتدار حقوقی سه کشور اروپایی برای فعال کردن مکانیسم ماشه می‌کند و نه وادارش می‌سازد که اهرم فشار ۶۰ درصدی خود را در ابتدا واگذار کند. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، پس از گفت‌وگو با هم‌تایان اروپایی خود، اخیراً اشاره کرد که هرگونه تمدید این مکانیسم در نهایت موضوعی برای شورای امنیت سازمان ملل است، نه اینکه تهران آن را تأیید کند. این امر ممکن است به عنوان نشانه‌ای از نرمش در موضع‌گیری تعبیر شود. در عمل، این بدان معناست که به جای مشروط کردن تمدید به شفافیت کامل و فوری ایران، هر دو طرف ابتدا می‌توانند بر سر یک نقشه راه توافق کنند: ایران با برداشتن گام‌های محدود و برگشت‌پذیر برای احیای همکاری جزئی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز کند، در حالی که سه کشور اروپایی به موازات آن، روسیه، چین و ایالات متحده را در شورای امنیت سازمان ملل درگیر کنند تا زمان بیشتری برای دیپلماسی به دست آورند. چنین فرآیندی باید شامل یک مسیر موازی تعامل با واشنگتن و اروپا باشد؛ به طوری که کاهش مرحله‌ای تحریم‌ها و تضمین‌های امنیتی بتواند با شفافیت تدریجی مطابقت یابد، و سرنوشت ذخایر ۶۰ درصدی به مرحله نهایی واگذار شود. به این ترتیب، هر دو طرف اهرم فشار خود را تا انتها حفظ می‌کنند، به جای اینکه در ابتدا آن را به خطر بیندازند. این استراتژی نیازمند انعطاف‌پذیری از هر دو طرف است. برای تهران، این به معنای مقاومت در برابر وسوسه تشدید اوضاع به سمت تسلیحاتی شدن یا خروج از NPT و در عوض استفاده از این فرصت برای دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک آبرومندانه است. برای سه کشور اروپایی، این به معنای اذعان به محدودیت‌های اهرم فشار خود و همکاری با واشنگتن برای طراحی یک توالی واقع‌بینانه از مشوق‌ها و تعهدات است. بدون چنین هماهنگی‌ای، اروپا در معرض خطر به حاشیه رانده شدن قرار می‌گیرد، زیرا ایران یا به سمت تقابل پیش می‌رود یا به یک مسیر دوجانبه مستقیم با آمریکا روی می‌آورد. مهلت مکانیسم ماشه ممکن است نزدیک باشد، اما یک مسیر باریک برای کسانی که مایل به پذیرش آن هستند، همچنان باز است.»

چنین رویکردی نیازمند آمادگی ایران برای رسیدن به یک توافق موقت با سه کشور اروپایی است؛ توافقی که در آن ایران بر تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کند و بازه زمانی مشخصی را برای از سرگیری بازرسی‌های آژانس از تأسیسات هسته‌ای ایران مشخص کند و در عین حال نشان دهد که برای شرط سوم، یعنی نشان دادن تعهد به مذاکرات با آمریکا، آمادگی دارد. اروپایی‌ها کاملاً آگاهی دارند که بازگشت ایران به همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یک بازه ۳۰ روزه میسر نیست و به همین دلیل مسئله تعیین تکلیف اورانیوم غنی‌شده سطح بالا را به عنوان شرطی مجزا از همکاری با آژانس ذکر کرده‌اند.